

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۸۶



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

بازتاب زندگی در گلستان سعدی

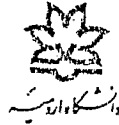
استاد راهنما: دکتر مهوش واحد دوست

پژوهشگر: همدم جلال زاده ^۱ / ۴ / ۱۳۸۹

معاونت اساتید ارشد
تسویه حساب

زمستان ۱۳۸۸

۱۳۸۸۴۲



شماره ۱۴۴۴۲

تاریخ ۱۹/۱۱/۸۸

بسمه تعالی

فرم ارزیابی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

مدیر محترم گروه

باسلام بدینوسیله به اطلاع می رساند جلسه امتحان نهائی شامل دفاع از پایان نامه خانم / **همدم جلال زاده**

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی به شماره دانشجویی ۸۶۰۸۱۴۰۱ تحت عنوان:

بازتاب زندگی در گلستان سعدی

با حضور اعضای کمیته پایان نامه در ساعت ۱۵:۳۰ مورخه ۱۹/۱۱/۸۸ در محل دانشکده ادبیات

تشکیل و بر اساس محتوی و چگونگی ارائه پایان نامه و با احتساب مقالات مستخرجه از آن تحت عناوین:

- | | |
|---|---------------------------|
| عناوین مقالات | محل ارائه |
| ۱- نمود احساسات و عواطف انسانی در گلستان | دانشگاه سیستان و بلوچستان |
| ۲- با نبره ۱۹، ۲۷ و با درجه: عالی | |

عالی (۱۸-۲۰) بسیار خوب (۱۶-۱۸) خوب (۱۶-۱۴)

قابل قبول (۱۲-۱۴) غیر قابل قبول (کمتر از ۱۲)

مورد تصویب اعضای کمیته قرار گرفت. خواهشمند است دستور فرمایند مراتب جهت اطلاع و اقدام به مدیرکل تحصیلات تکمیلی دانشگاه اعلام گردد.

محل امضاء اعضای کمیته پایان نامه

استاد راهنما و رئیس هیئت داوران **فاطمه زهرا واحد دوست**

۱- دکتر مهوش واحد دوست

۲- دکتر نظری

۳- دکتر قلیانی

۴- دکتر مدعور بیات

داور خارجی
داور داخلی
نماینده تحصیلات تکمیلی

خانم دلن واحد دوست

نام و امضاء استاد راهنمای پایان نامه **فاطمه زهرا واحد دوست**

تاریخ

تقدیم به

سرشت همیشه سبز و پایدار

پدر و مادرم

تقدیر و تشکر

با سپاس یزدان

سپاس و تشکر بی پایان از راهنمایی‌ها و مهربانی‌های همیشه استاد فرزانه‌ام
سرکار خانم دکتر مهوش واحد دوست.

و با تشکر از راهنمایی‌های جناب آقای دکتر نظریانی

و جناب آقای دکتر مظفری، همچنین سپاس گذارم از وسعت نظر این بزرگواران و قدر دان ایشان هستم.
در نهایت از تمامی دوستانی که مرا در این امر یاری کردند، تشکر می‌کنم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	موضوع تحقیق.....
۱.....	هدف از تحقیق.....
۱.....	سؤالات تحقیق.....
۱.....	پیشینه تحقیق.....
۲.....	تازگی و کاربردی بودن تحقیق.....
۲.....	روش تحقیق.....
۲.....	محدودیت‌های تحقیق.....
۲.....	منابع تحقیق.....
۳.....	مقدمه.....
۶.....	فصل اول: کلیات و تعاریف.....
۷.....	بخش اول: زمان و روزگار سعدی.....
۸.....	زمان و روزگار سعدی.....
۸.....	وضع اجتماعی و سیاسی ایران مقارن حمله مغول.....
۹.....	ظهور چنگیز و حمله به ایران.....
۱۰.....	تأثیر مغول در ادبیات.....
۱۱.....	رواج تصوف و صوفی‌گری.....
۱۲.....	حکومت اتابکان در ایران و ممالک اسلامی.....
۱۳.....	اتابکان فارس (سلغریان).....
۱۴.....	زندگی سعدی.....
۱۶.....	آثار دیگر سعدی.....
۱۸.....	بخش دوم: معرفی گلستان و نوع ادبی آن.....
۱۹.....	معرفی گلستان.....
۲۰.....	تقسیم بندی نثر فارسی.....
۲۰.....	نثر فارسی در قرن هفتم.....
۲۱.....	نوع ادبی گلستان.....
۲۳.....	بخش سوم: ادبیات داستانی و حکایت.....
۲۴.....	ادبیات داستانی.....
۲۴.....	تعریف داستان.....
۲۴.....	تاریخچه داستان.....
۲۴.....	فرق داستان در گذشته و حال.....

۲۵.....	داستان پردازی بعد از اسلام.....
۲۵.....	آغاز داستان نویسی در ایران.....
۲۵.....	داستان کوتاه.....
۲۶.....	تاریخچه داستان کوتاه.....
۲۶.....	خصوصیات داستان کوتاه خوب.....
۲۷.....	شخصیت.....
۲۷.....	حکایت.....
۲۸.....	آغاز نوشتن داستان و حکایت.....
۲۹.....	فصل دوم: تعاریف مهارت‌های زندگی و بررسی آن در گلستان
۳۰.....	بخش اول: تعاریفی از مهارت‌های زندگی
۳۱.....	هوش چیست؟.....
۳۲.....	فرق IQ و EQ.....
۳۲.....	هیجان.....
۳۳.....	هوش هیجانی.....
۳۴.....	خود آگاهی هیجانی.....
۳۵.....	از هوش هیجانی تا مهارت‌های زندگی.....
۳۷.....	بخش دوم: بررسی چگونگی مهارت‌های زندگی در گلستان
۴۱.....	بخش اول: رویارویی با مسئله با روش حل مسئله یا گشایی
۴۲.....	مسئله.....
۴۲.....	حل مسئله.....
۴۲.....	چگونگی مسئله گشایی.....
۴۳.....	نمونه‌های حل مسئله در گلستان.....
۴۶.....	بخش دوم: همدلی
۴۷.....	همدلی یعنی چه.....
۴۸.....	منشأ همدلی.....
۴۸.....	دلایل عدم ایجاد همدلی در روابط.....
۵۰.....	مهارت‌های همدلی.....
۵۰.....	نمونه‌های همدلی در گلستان.....
۵۵.....	بخش سوم: مقابله با شکست
۵۶.....	چگونگی مقابله با شکست.....
۵۶.....	مهارت‌های مقابله با شکست.....
۵۸.....	مقابله با شکست در گلستان.....

۶۲	بخش چهارم: استفاده از روش شوخ طبعی
۶۳	در باره طنز و شوخ طبعی سعدی
۶۴	استفاده از روش شوخ طبعی در گلستان
۶۷	بخش پنجم: مقابله با طمع و بخل
۶۸	بخل و طمع
۶۸	نمونه‌های بخل و طمع در گلستان
۷۳	بخش ششم: غلبه بر حسادت
۷۴	حسادت چیست
۷۴	زمینه رشد حسادت
۷۵	منشأ حسادت
۷۵	مهارت‌های مقابله‌ای با حسادت
۷۶	نمونه‌های حسادت در گلستان
۷۹	بخش هفتم: نحوه رویارویی با پیری
۸۰	دوران عمر انسان
۸۱	مهارت‌های رویارویی با پیری
۸۲	رویارویی با پیری در گلستان
۹۰	بخش هشتم: مقابله با خشم
۹۱	تعریف خشم
۹۱	علل خشم
۹۲	مقابله با خشم
۹۲	نمونه‌های خشم در گلستان
۹۸	بخش نهم: کمال جویی در گلستان
۹۹	رشد و کمال در گلستان
۱۱۱	نتیجه
۱۱۳	فهرست منابع

چکیده

در میان نویسندگان گذشته ایران، سعدی شاخص‌ترین چهره به عنوان مصلح اجتماعی شناخته شده است. از آنجا که مهم‌ترین آرمان سعدی از خلق آثارش ارتقاء رشد شخصیت انسان هاست؛ در این تحقیق مهارت‌هایی که سعدی در گلستان، برای هر چه بهتر زیستن انسان‌ها ارائه داده است، به وسیله تحلیل شخصیت حکایت‌ها مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است. زیرا «حکایت» در ادبیات داستانی کلاسیک ایران، از انواع ادبی بسیار معروف به شمار می‌رود که برخی از عناصر داستانی مطرح در دوره جدید، قابل انطباق در این گونه از انواع ادبی است. از دیگر سو، عناصر داستانی، به ویژه عنصر «شخصیت» زمینه مساعدی برای نقد و بررسی در حوزه نقد و یا تحلیل روان‌شناختی به شمار می‌رود.

در این پژوهش تلاش شده است، برخی مسائل و مشکلات رفتاری، بین فردی و اجتماعی شخصیت‌ها، شناسایی شود و راه‌حل‌های ارائه شده سعدی، با توجه به طرح و تعریف مهم‌ترین عامل‌های هوش اجتماعی و مهارت‌های مقابله‌ای مطرح در روان‌شناسی معاصر مورد تحلیل، نقد و بررسی قرار گیرد. به این ترتیب که ابتدا مهم‌ترین مشکلات رفتاری انسان‌ها که موجب مختل شدن روابط بین فردی و مانعی در راه رسیدن به شادکامی است، انتخاب و تعریف شده است. همچنین با شرحی کوتاه درباره منشأ رشد آن‌ها، مهارت‌های مقابله‌ای با این مشکلات - که امروزه در تئوری‌های روان‌شناسی مثبت گرا پیشنهاد شده است - تعریف گردیده است. سپس با تحلیل روان‌شناختی رفتار شخصیت داستان‌ها، مصادیق این مشکلات فردی و بین فردی در گلستان، به صورت شاهد مثال‌هایی ارائه شده است. در نهایت با نتیجه‌گیری از درونمایه و سیر داستانی، آموزش‌های اخلاقی و مهارت‌های زندگی پیشنهادی از سوی سعدی، شرح گردیده است.

برابر سازی الگوهای رفتاری و تئوری‌های روان‌شناسانه وی، در لا به لای حکایت‌های گلستان، با الگوهای رفتاری و تئوری‌های مطرح در روان‌شناسی هوش اجتماعی معاصر، هدف غایی این تحقیق است. در ضمن قبلاً درباره ویژگی نوع ادبی حکایت توضیح داده شده است.

واژه های کلیدی: گلستان سعدی، حکایت، الگوهای رفتاری، مهارت‌های زندگی، مهارت‌های مقابله‌ای.

موضوع تحقیق:

بررسی مهارت‌های زندگی فردی و چگونگی بازتاب آن در گلستان سعدی موضوع اصلی این پژوهش است. « به زیستن»، «کسب لذت»، «نیل به کامیابی»، سه صدر نشین نیازهای بشر امروز، سبب شده است تا مهارت‌های زندگی از مطرح‌ترین و پر کاربردترین تئوری‌های عصر حاضر باشد. از آنجا که گلستان اثری تعلیمی- اخلاقی است و جنبه اجتماعی و برون‌گرایانه دارد؛ این آزادی عمل را به پژوهشگر می‌دهد، تا با تحقیق و بررسی اثبات کند که سعدی ارائه دهنده این گونه از مهارت‌های انسانی است و همچنین گلستان جزء آثار کاربردی به شمار می‌آید. تلاش است با اثبات این مهم، چهره جدیدی از گلستان سعدی نمایانده شود.

هدف از تحقیق:

ویژگی حکایت‌های گلستان نشان می‌دهد که هدف سعدی از آفرینش چنین اثری، البته در کمال زیبایی، صرفاً هنر برای هنر نیست؛ بلکه کاملاً تعلیمی و با هدف‌های کمال‌جویانه است. با توجه به قابلیت درونمایه گلستان برای تحلیل روان‌شناختی، در این تحقیق کوشش می‌شود چشم اندازی جدید از گلستان ایجاد شود تا چگونگی رابطه گلستان با مهارت‌های زندگی و هوش اجتماعی برای مخاطب روشن شود و اثبات شود که گلستان را می‌توان به صورت کاربردی مطالعه کرد.

سؤالات تحقیق:

- ✓ آیا حکایت‌های سعدی در بردارنده تمامی عناصر ادبیات داستانی است؟
- ✓ آیا مقصد سعدی از گلستان تنها ارائه یک اثر هنری است؟
- ✓ آیا درونمایه گلستان قابلیت اعمال تحلیل‌های روانشناختی را دارد؟
- ✓ چه رابطه‌ای میان هوش اجتماعی و گلستان سعدی وجود دارد؟
- ✓ آیا گلستان جنبه کاربردی داشته است و یا مطالعه آن تأثیری در سیر رشد و کمال انسان و جامعه دارد؟
- ✓ آموزه‌های سعدی در گلستان هم سوی نیازهای بشر امروز هست یا نه؟

پیشینه تحقیق:

تا کنون صاحب‌نظران و چهره‌های ادبی شاخص بسیاری آثار سعدی، به ویژه گلستان را، در بوته نقد و بررسی قرار داده‌اند؛ از جمله این اشخاص می‌توان از دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر اسلامی ندوشن و دکتر زرین کوب یاد کرد. در زمینه نقد و تحلیل اخلاقی، تربیتی و روان‌شناسی گلستان سعدی گاه به صورت پراکنده مقاله‌هایی وجود دارد. ولی بر مبنای نظریه‌های جدید تحلیل جامعی تاکنون انجام نگرفته است، زیرا تحلیل بر مبنای تئوری-

های جدید، به دلیل نو بودن مبحث هوش اجتماعی و مهارت‌های لازم برای زندگی سالم، تحقیق در این زمینه کاملاً تازگی دارد و تا به حال گلستان سعدی از این دیدگاه مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است.

تازگی و کاربردی بودن تحقیق:

تا کنون گلستان سعدی بر مبنای تئوری‌های روان‌شناسی جدید مورد بررسی قرار نگرفته است. از این رو این تحقیق تازگی و حالت کاربردی دارد.

روش تحقیق:

این پژوهش بر اساس تئوری‌های علمی و با روش تحلیلی - توصیفی انجام شده است. در نخستین گام تحقیق، منابعی در زمینه هوش اجتماعی، که به روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز تا حدودی وابسته هستند، شناسایی شدند. سپس تئوری‌هایی که درباره مهارت‌های زندگی و همچنین درباره مهارت‌های مقابله‌ای در برابر رویارویی با رفتارهای نا به‌هنجار فردی است، شناسایی و به صورت فیش برداری استخراج شدند. در مرحله بعدی، مهم‌ترین عامل‌های این مهارت‌ها از میان همه این تئوری‌ها گزینش شدند. در مرحله اصلی تحقیق، سعی شده است تا تمامی مصداق‌های موجود در گلستان، که مطابق هر یک از این عناصر انتخابی هستند؛ همراه با نقد و تحلیل روان‌شناختی رفتار شخصیت داستان‌ها، به صورت شاهد مثال ارائه و از آن‌ها نتیجه‌گیری شود. شایان ذکر است که در این بخش تنها از منابعی که درباره آن‌ها سخن رفت، استفاده نشده است. بلکه از کتب ادبی که در زمینه نقد و بررسی گلستان هستند، نیز بهره‌برداری شده است.

محدودیت‌های تحقیق:

در انجام این تحقیق، تنها استفاده از منابع ادبی به هیچ وجه کفایت نمی‌کرد. به دلیل تازگی موضوع، نه تنها گلستان بلکه هیچ اثر ادبی دیگری تا به حال، با دیدگاه‌های مورد تطبیق در این پایان‌نامه و در این زمینه مورد پژوهش قرار نگرفته است. بنا بر این عمده‌ترین محدودیت، نبودن منبع کافی در این زمینه بود. به همین دلیل در طول تحقیق با کمبود منابع رو به رو بوده‌ایم، که مسلماً رفع این مشکل می‌تواند تأثیر بسزایی در ارتقاء سطح کیفی تحقیق‌های آتی در این زمینه بگذارد.

منابع تحقیق:

در ابتدای امر، برای ارائه شرح مختصری از زندگی سعدی و معرفی آثار او، از کتب مربوط به تاریخ ادبیات استفاده شده است. از منابع معتبر و شناخته شده در زمینه سبک‌شناسی، انواع ادبی و نقد ادبی برای شرح ویژگی حکایت در گلستان بهره‌برده شد. در متن اصلی تحقیق از منابعی که آثار سعدی، به ویژه گلستان را شرح و بررسی کرده‌اند، استفاده شده است؛ مانند آثار دکتر غلامحسین یوسفی، استاد زرین‌کوب، علی‌دشتی و ... علاوه بر منابع ادبی، کتب و مقاله‌های علمی روان‌شناسی نیز از منابع عمده این تحقیق بوده‌اند. از جمله کتبی که در زمینه مهارت‌های فردی، هوش هیجانی، نظریه‌های شخصیت و روان‌شناسی رشد تا کنون نوشته شده‌اند، از منابع اصلی این تحقیق به شمار می‌آیند.

مقدمه

حکایت بخش اعظمی از ادبیات تعلیمی فارسی را، که مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را برای مخاطب تشریح می‌کند، به خود اختصاص داده است. زیرا در حوزه انواع ادبی - که آثار ادبی را از نظر ماده و صورت در گروه‌هایی محدود و مشخص کرده است - حکایت معادل داستان کوتاه به شمار می‌رود. چون معمولاً هدف از بیان آن ارائه اندیشه‌ای عرفانی یا اخلاقی است، در زمان خود، بهترین نوع ادبی برای بیان اهداف اجتماعی اصلاح‌گرایانه شاعر یا نویسنده محسوب می‌شود و در حقیقت طرح داستان جنبه ثانوی دارد که از نمونه‌های بارز این ژانر در ادبیات فارسی گلستان سعدی است. در تحقیق پیش رو سعی شده است تا یکی از مطرح‌ترین تئوری‌های روان‌شناسی معاصر به نام مهارت‌های زندگی و هوش اجتماعی، در گلستان سعدی و حکایت‌های آن بررسی شود.

دلیل انتخاب سعدی در این تحقیق این است که از میان شاعران و نویسندگان بزرگ ایرانی بیش از همه او به نظام اجتماع و سلامت آن علاقه وافر دارد. او قریب به هفتصد سال است که در مقام یک مصلح اجتماعی شناخته شده است و حتی به گفته برخی، برای مردم ایران معلم اول بوده است.^۱ سبب این وجهه اجتماعی و مقبولیت سعدی هم روح بزرگ و روان پر استعداد اوست که توانسته است آن استعدادها را بالقوه بالفعل کند؛ هم زندگی پر فراز و نشیب اوست که از او فردی پخته، دنیا دیده و خرد ورز ساخته است. در ذکر جمیل سعدی در این باره آمده که: «سعدی در اقصای عالم بسی بگشته و با هر کسی ایام به سر برده، از هر کسی تمتع و از هر خرمنی خوشه‌ای یافته است، و از این خوشه‌های تجربت برای خود خرمنی بس بزرگ اندوخته و به تمام معنی صادقانه احساسات و تجربیات خود را به نثر پراکنده و به نظم کشیده است و برای عالمیان پر ارزش‌ترین پندها را به زیباترین ابیات و عبارات به جای گذاشته.»^۲ همچنین گلستان او - که عالی‌ترین نمونه واقع‌گرایی رئالیسم در نثر کلاسیک فارسی است^۳ - از میان دیگر آثارش برگزیده شد، زیرا که هم به عقیده بسیاری از بزرگان، همه اعتبار سعدی به گلستان اوست؛ هم اینکه اندیشه‌های اجتماعی سعدی در گلستان بسیار جامع و پیرامون تمام مسائل مربوط به علوم انسانی و انسان است. مانند روان‌شناسی، علوم اجتماعی، سیاست و مدیریت، جامعه‌شناسی و غیره. گلستان این قابلیت را دارد که در هر زاویه‌ای که مورد بررسی قرار گرفته است، به راحتی قابل ارائه برای همه مردم جهان با فرهنگ‌های مختلف باشد و از قبول عام برخوردار است. تصاویری که در گلستان تمثیل شده است، برای عموم مردم مأنوس است. از طرفی سعدی آن‌ها را با کلمات و زبانی ساده به همان مردم هدیه کرده است.

او این زبان ساده را با استعداد خدا دادی خود و نیز حسن ذوق، روشن بینی، پختگی، عواطف ملموس بشری و حکمت تلفیق کرده است و در اوج بلاغت و زیبایی ارائه داده است. همین عوامل باعث جهانی شدن سعدی هم در زمان خودش و هم در عصر حاضر شده است. هانری ماسه می‌گوید گلستان پنجاه و پنج بار ترجمه و به چاپ رسیده است.^۴ دلیل ترجمه شدن این کتاب به زبان‌های متعدد آن است که حتی بعد از هفتصد سال، با همه دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی، هنوز با وضع امروز مردم تطبیق می‌کند و بشریت را به سعدی علاقه‌مند کرده است.

^۱ اسلامی ندوشن، ۱۳۸۳: ۱.

^۲ مجموعه مقالات، ذکر جمیل سعدی، ۱۳۷۷: ۲۶.

^۳ زرین کوب، ۱۳۸۶: ۱۱۳.

^۴ یوسفی، ۱۳۶۳: ۲.

امرسون متفکر آمریکایی که در آثار خود سی بار از سعدی نام برده است، می گوید: «سعدی شاعر ابدنال من است».^۱ زیرا او در آثار خود محبت، قهرمانی، ایثار، بخشندگی، صفا و عنایت الهی را برای مردم به ارمغان آورده است. ارنست رنان نیز در ستایش او گفته است: «سعدی واقعاً یکی از گویندگان ماست».^۲ این احساس همبستگی که برای جهانیان با سعدی و گلستان‌اش وجود دارد، بر آن مبناست که سعدی مسائل و مشکلات آدمی را، نه تنها در جامعه خویش بلکه در تمام جوامع بشری، در رویارویی با محیطش شناسایی کرده است و مورد بررسی قرار داده است.

در قرن بیست و یکم، روان شناسی مثبت گرا توجه خود را روی جنبه مثبت زندگی انسان متمرکز کرد و ویژگی‌های مثبت آدمی را مبنای مطالعات خود قرار داد. ویژگی‌هایی مانند خوشبختی، شادکامی، شجاعت، امیدواری و خردمندی.

هوش اجتماعی - اصطلاحی که توجه عموم را به خود جلب کرده است - و توانایی‌های مربوط به آن، مهارت‌های نادیده گرفته شده‌ای است که موفقیت را به مقدار زیاد افزایش می‌دهد و اصلی‌ترین ابزار انسان برای رسیدن به این شادکامی است.

روان شناسان کمال، که خود را روان شناسان انسان گرا می‌دانند، با دیدی نو به ماهیت انسان می‌نگرند و بدون نظر به روان کاوی سنتی تصویری امید بخش و خوش بینانه از انسان به دست می‌دهند. آن‌ها به قابلیت، گسترش، پرورش، شکوفایی و کمال انسان می‌پردازند و اعتقاد دارند انسان می‌تواند به آنچه که در توان او، بهترین است، تبدیل شود.

حضور در اجتماع و داشتن رابطه خوب با دیگران یکی از منابع اصلی شادکامی انسان است. از آنجا که این نوع هوش، اکتسابی و قابل پرورش است، در جهت ارتقای آن می‌توان از ادبیات و سینما - که بیشتر منطبق با فرهنگ ایرانی و اسلامی است - بهره برد.

با اینکه علم روان شناسی در دنیای امروز تازگی دارد، اما مسائل اخلاقی و روانی انسان و مشکلات مربوط به آن در طول تاریخ همواره وجود داشته است و از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. در طول تاریخ جای حلقه مفقوده علم روان شناسی در زنجیره علوم انسانی، با الهیات و ادبیات پر شده است. و از آنجا که بیشتر رفتارهای انسان‌ها از روی نمونه‌های فرهنگی، سر مشق انسان می‌گردد، می‌توان گلستان سعدی را به راحتی از لحاظ روان شناسی بررسی کرد. زیرا سعدی خود نیز همچون فرزانه‌ای روان شناس است که داروی تلخ نصیحتش را با شهد ظرافت آمیخته است و پیش روی جهانیان قرار داده است.^۳ از آنجا که سعدی در گلستان، آدمی را در جمع هم نوعانش مورد بررسی قرار می‌دهد، به راحتی می‌توان بازتاب مهارت‌های زندگی را، که امروزه از مطرح‌ترین تئوری‌های روان شناسی نوین است، در گلستان یافت. به این دلیل که سعدی بدون اینکه انتقاد کند و یا قشر خاصی را زیر سؤال ببرد و یا از هجو و طعنه استفاده کند، می‌کوشد در گلستان خود راه بهتری را برای رویارویی با زندگی پیشنهاد کند. خیل بی شماری از ما بر این پندار هستیم که علوم انسانی نوین مثل فلسفه، علوم اجتماعی و روان شناسی از غرب به ما رسیده است. اما به حق چنین نیست و ما در جامعه خویش در طول تاریخ چنین خلانی نداشته‌ایم. وجود گلستان و موضوع حکایت‌هایش که تربیت اجتماعی افراد برای رسیدن به جامعه ای سالم است، شاهدی بر این مدعی است.

^۱ یوسفی، ۱۳۶۳: ۱.

^۲ همان، ۲.

^۳ خطیب رهبر، ۱۳۷۴: ۵.

سعدی با مردم شناسی خود و مطالعه افعال و خلقیات معاصران خود توانسته است صور گوناگون روحیات افراد بشر را در گلستان بیان کند و به معنی دقیق کلمه اخلاق را تصنیف کند و تعلیم دهد. سعدی در گلستان با خلق شخصیت‌های انتزاعی و روایت حوادثی که برای آنان رخ داده است، به آموزش مباحث اخلاقی و اجتماعی پرداخته است و از آنجا که عنصر اصلی هر داستان شخصیت‌های آن است و این شخصیت‌ها هستند که با اعمال یا گفتار خود داستان یا حکایت را به وجود می‌آورند؛ در این تحقیق که بحثی تحلیلی - توصیفی است، گفتار و اعمال شخصیت‌های حکایات، انگیزه آنان برای بروز یک رفتار هنجار یا نا به هنجار و نحوه برخورد با مسائل و تنش‌های اجتماعی آنان مورد بررسی و پردازش، با برخی دیدگاه‌های جدید روان شناسی قرار می‌گیرد.

سبک و سیاق روان شناسی و آمیختگی بحث با واژه‌های این علم دلیل بر اعمال نقد روان شناختی یا روان کاوانه بر گلستان نیست. نقد روان شناختی یکی از شیوه‌های نقد ادبی است که شارل مورون آن را پدید آورد. در این شیوه، از آموزش‌ها و تعلیمات روان کاوی بهره برده می‌شود.^۱ نقد روان کاوانه نیز شکلی از نقد ادبی است که برخی از شیوه‌های روان کاوی را بر متون ادبی اعمال می‌کند.^۲ پیروان نقد روان کاوانه می‌پنداشتند که با رسیدن به شناخت عمیق از نویسنده می‌شود آثار او را بهتر تفسیر کرد. زیرا این نوع نقد که مبنای آن نظریه فروید است، برای توضیح یک اثر ادبی از آموزش‌ها و تعلیمات روان کاوی بهره می‌جوید و تمامی هنرمندان و نویسندگان را افرادی روان رنجور فرض می‌کند که با خلق آثار هنری خود می‌کوشند تا از پیامدهای روان رنجوری خویش بگریزند. در واقع با پرتو انداختن بر نویسنده و اثرش و نقب زدن به خبایای ذهن روان رنجور او به شناختی عمیق‌تر از او دست می‌یابد و در نتیجه او را بهتر تفسیر می‌کند.^۳

در این تحقیق نه تنها هدف نقد نیست، بلکه سعی می‌شود با به خدمت کشیدن علم روان‌شناسی، به نتایج مطلوبی در گستره ادبیات برسیم. اینگونه که، نخست مهارت‌های اجتماعی و راه حل‌های مقابله با مشکلات اجتماعی و بین فردی را که در تئوری‌های هوش اجتماعی تاکنون مطرح شده است، شرح و تعریف می‌شود، سپس با یافتن مصادیق آن - به صورت تصادفی - از گلستان، که در قالب یک حکایت کوتاه بیان شده است، به نتیجه‌ای جدید که هدف اصلی از بحث پیش روست، می‌رسیم.

در فصل اول، طبق عرف، ابتدا درباره سعدی و زندگی او شرح مختصری ارائه شده است. در فصل دوم تحقیق، درباره نثر و نوع ادبی گلستان بحث شده است. همچنین به این دلیل که سعدی گلستان را در قالب حکایت طرح ریزی کرده است، درباره حکایت و ویژگی‌های آن سخن به میان آمده است. در فصول سوم، مهم‌ترین مهارت‌های زندگی انسان برگزیده شده است و بعد از تعریف و توضیح منشأ رشد آن و نیز ارائه مهارت‌های مقابله‌ای، به صورت کاملاً علمی، با داستان‌ها و حکایت‌های گلستان تطبیق داده و نمونه‌یابی شده است. در فصل آخر، درباره مهارت‌های زندگی و مقابله‌ای، هوش اجتماعی، منشأ و چگونگی رشد آن و همچنین تفاوت این هوش با هوش - های دیگر انسان، شرحی کافی داده شده است تا دلیل استناد به برخی از تئوری‌ها یا اصطلاحات روان شناسی روشن شود و نقطه ابهامی برای خواننده باقی نماند.

درباره تازگی این تحقیق شایان ذکر است که تا به حال پژوهش‌گران چنین برداشت روان شناسانه‌ای از گلستان نداشته‌اند و پیش از این به آثار سعدی از این منظر نپرداخته‌اند. در ضمن شاهد مثال‌هایی که در متن از گلستان سعدی آورده شده است، تنها با ذکر صفحه از گلستان سعدی، به شرح و تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی است.

^۱ کهنمویی پور و دیگران، ۱۳۸۱: ذیل نقد روان‌شناختی.

^۲ پاینده، ۱۳۸۲: ۶۹.

^۳ برسler، ۱۳۸۴: ۱۸۳-۱۸۶، با تصرف و تلخیص.

فصل اول

کلیّات و تعاریف

بخش اول

زمان و روزگار سعدی

زمان و روزگار سعدی

شناخت سعدی بدون اطلاع از عصر و زمان سعدی میسر نیست. از این نظر لازم است که مروری گذرا بر دوران وی یعنی قرن هفتم هجری داشته باشیم تا بهتر بتوانیم شخصیت این شاعر بزرگ ایرانی را درک نماییم.

قرن هفتم هجری مصادف است با یکی از وحشتناک‌ترین حوادث تاریخ ایران، یعنی حمله وحشیانه مغولان به ایران در سال ۶۱۶ هجری، و به دنبال آن فروپاشی و انقراض دولت خوارزمشاهیان در سال ۶۲۸ هجری قمری و قتل، غارت، کشتار مردم ایران، تنزل و پریشانی اقتصادی، انحطاط اخلاقی و بسیاری مصائب دیگر که آثار شوم آن تا قرن‌های بعد گریبان گیر مردم ایران گردید. این هجوم وحشیانه حادثه‌ای بود مهیب و دلخراش که به قول ادوارد براون: «قیافه دنیا را عوض کرد و بیش از هر حادثه دیگری در تاریخ جهان، بشریت را دچار مصیبت ساخت.»^۱

در این دوران پر آشوب و پر ماجرا ویران کاران مغول و تاتار و دیگر زرد پوستان وحشی یا نیمه وحشی آسیای مرکزی، قسمت بزرگی از فلات پهناور ایران را در هم کوفتند و بسیاری از شهرها را چنان ویران ساختند که دیگر نامی از آنها باقی نماند.

کشتارهای بی‌امان و قتل عام‌های پی در پی، شکنجه‌ها و آزارها، ساختن مناره‌ها از سرهای آدمیان و نظایر این فجایع سرلوحه بسیاری از اعمال و افعال و حوادثی است که در این دوره طولانی در ایران رخ داد. ایرانیان اگر چه فرهنگ نیمه جان خود را با کوشش‌های مداوم از زیر لطمه‌های سخت، به هرگونه‌ای که میسر بود، نجات دادند؛ اما در مقابل، بسیاری از آثار نامطلوب جریان‌های سیاسی و اجتماعی این عهد را خواه و نا خواه نگاه داشتند.^۲

وضع اجتماعی و سیاسی ایران مقارن حمله مغول

ایران به حکم موقعیت جغرافیایی خود و واقع شدن بین شرق و غرب، از دیر باز مورد توجه اقوام مهاجر بوده است. وحشیان زرد پوست شمالی که در دشت‌های توران و سبیری از سیر دریا تا اقیانوس کبیر سکونت داشتند، به علت نا مساعد بودن محیط زندگی خود و فقر و احتیاج، غالباً به قصد غارتگری، به ممالک اطراف، مثل ایران و چین حمله می‌کردند. این حملات پیش از اسلام، همیشه موجب ناراحتی مردم، حکومت‌ها و سلاطین ایران بوده است.

در دوره بعد از اسلام، نفوذ و مداخله ترکان زرد پوست ادامه یافت و عده‌ای از آنان به قسمت‌های شرقی ایران مهاجرت کردند و به دین اسلام گرویدند و به عنوان غلام یا سپاهی در دستگاه‌های حکومتی ایران نفوذ کردند. بعضی از آنان حتی به تشکیل سلسله‌های مهمی توفیق یافتند. به یقین سلطنت محمود ترک نژاد - که یکی از پر قدرت‌ترین حکومت‌های ایران را تشکیل داد - نمونه‌ای از این نفوذ بود. اما در حدود قرن هفتم، سلطان محمد خوارزمشاه که مناسبات چندان روشن و حسنه‌ای با خلیفه عباسی نداشت، از طرف او رسماً معزول می‌گردد. این امر خود به وجود اختلافات سرعت بیشتری بخشید؛ عدم اعتماد سلطان به علماء دینی که اطاعت از خلیفه را بر خود فرض می‌دانستند، باعث می‌گردید که او به ترکان دشت قبیچاق - که ترکان خاتون مادر سلطان محمد نیز از

(۱) براون، ۱۳۵۷: ۱۱۵.
(۲) صفا، ۱۳۶۷: ج ۱/۱.

آنان بود - توسل جوید. این امر دخالت مستقیم ترکان خاتون در امور مختلف مملکتی و تجاوز و زورگویی به مردم و به تبع آن به نابسامانی اوضاع کمک می‌کرد. البته جنگ‌های فراوان در آسیای صغیر، روم شرقی، مصر، شام، هندوستان و ... در روند رشد این مشکل بی تأثیر نبود.^۱ در چنین اوضاع و احوالی در ایران و جهان اسلام، به قول مرحوم عباس اقبال آشتیانی: (۱۲۷۵ - ۱۳۳۴ شمسی)

« در موقعی که عالم اسلام از هر طرف مورد تهدید و تعرض بیگانگان بود، یک نفر پادشاه مقتدر یا فرمانروای مدیر عاقل وجود نداشت که با زور بازو و یا به نیروی عقل، از پیش آمدهای سیل‌های خانه برانداز جلوگیری کند ... بلکه بر عکس، زمام اختیار امور مسلمین در دست خلیفه بی کفایت مغرضی مثل الناصر الدین الله و پادشاه غافل بی تدبیری مانند سلطان محمد خوارزمشاه بود که اغراض شخصی و خصومت‌های فردی ایشان، بالاخره آتشی در عالم بر افروخت که خاندان هر دو را به باد داد و دود آن، چشم فروزنده تمدن مشرق را یکباره کور کرد. »^۲

ظهور چنگیز و حمله به ایران

چنگیز خان، که اصل اسم مغولی او تموچین به معنی آهنین است، در حدود سال ۵۴۹ هجری برابر با ۱۱۵۵ میلادی در مغولستان تولد یافت و پدرش یسوکای بهادر رئیس و خان قبیله قیات از قبایل مغول بوده است. اجداد چنگیز خان و طوایف مطیع ایشان از مدت‌ها پیش از ایام پدر او خراج گزار امپراتوران چین شمالی بودند و با اکراه بسیار به سرداران ایشان باج می‌دادند.

یسوکای بهادر که مردی متدبر و کاردان و رشید بود در ایام ریاست خود طوایف مغولی را که در جوار قبیله او سر می‌کردند به اطاعت در آورد و تا آنجا قدرت یافت که توانست با شکست سپاه فرستاده امپراتور چین در کارها مستقل گردد و اساس دولت بزرگ تموچین را فراهم سازد.

چنگیز هنگامی که پدرش درگذشت ۱۳ ساله بود و چون از برادران خود بزرگتر بود، جانشین پدر شد. در آغاز کار جمعی از سران مغول سر از اطاعت او پیچیدند ولی او به شدت آنها را سرکوب کرد. آن گاه پس از منکوب کردن طوایف مغول، به کمک چهار فرزند شجاع خود به چین حمله برد و در طول مدت پنج سال، قسمت اعظم چین و شهر تاریخی پکن را به تصرف خود در آورد و خاقان را مغلوب ساخت.

در این اوان دایره فتوحات چنگیز در حال توسعه بود. چنانکه در سال ۶۱۲ هجری. قمری سلسله کین را، که فرمانروای چین شمالی «طمغاج» بود، فتح نمود و پادشاهی آنان را برانداخت و پکنینگ (پکین، پکن) پایتخت طمغاج را مستخر ساخت و بر تبت استیلا یافت.

چون خبر این فتوحات چنگیز به همسایه او محمد خوارزمشاه رسید، وی را بیمناک ساخت و به فکر تحقیق انداخت. به همین دلیل نماینده‌ای به ریاست سید اجل بهاء الدین رازی به نزد چنگیز، که در این وقت در پکن مستقر بود، فرستاد.

منهاج سراج (۶۶۰ - ۵۸۹ قمری) مورخ آن دوران، شرح مشاهدات این هیئت را که روایت‌های وحشتناک از کشتارهای مغولان در تبت و طمغاج نقل کرده بودند؛ با ذکر رسالتی که آنان در نزد چنگیز داشتند، در کتاب خود آورده است.^۳

^۱ راوندی، ۱۳۵۷: ج ۲/۲۷۹.

^۲ اقبال آشتیانی، ۱۳۶۴: ۱۴.

^۳ منهاج سراج، طبقات ناصری، تصحیح حبیبی، ۱۳۶۳: ج ۱/۱۰۲.

در این سفر سه نفر از تجار مسلمان با مقداری پارچه‌های زر بفت قیمتی به خدمت چنگیزخان رفتند. چنگیز کالای ایشان را به قیمت خوب خرید و بسیار به آنان اکرام نمود. آنگاه، طرفین معاهده قراردادی با هم نوشتند و تعهد کردند که دوستان یکدیگر را دوست و دشمنان هم را دشمن مشترک خود بدانند. اما این امر چندی نمی‌پایید و بی‌تدبیری شاه ایران آتش فتنه را روشن و اشتباهات پی در پی آن آتش را شعله‌ورتر می‌کند.

چنگیز عده‌ای از بازرگانان مغول را بین ۴۵۰ تا ۵۰۰ نفر با کالاهای گران بها از قبیل طلا، نقره، ابریشم، پارچه‌های با ارزش، مشک و سنگ‌های قیمتی به عزم ماوراءالنهر روانه ایران نمود. این کاروان سپس به شهر اترار، که شهر مرزی خوارزمشاهیان بود، وارد شد.

در آن هنگام، امیر اترار شخصی بود به نام «اینالجق»، معروف به غایر خان، که با مادر سلطان ترکان خاتون خویشی داشت.^۱ وی که چشم طمع به مال بازرگانان مغولی دوخته بود، آنان را در پیش سلطان جاسوس قلمداد کرد و با آنکه پادشاه جواب داده بود که مواظب اعمال آنها باشد، تمامی تجار را به غیر از یک نفر شتریان، که در حمام بود، کشت و اموالشان را ضبط نمود. آن‌گاه شخص فراری خود را به چنگیز خان رساند و او را از کیفیت آن غدر مطلع ساخت.^۲

بعد از آنکه چنگیز خان از واقعه کشتار بازرگانان مغول آگاهی یافت، باز هم آگاهانه‌تر از شاه ایران شخصی را با دو فرستاده تبار به نزد سلطان محمد روانه داشت^۳ و ضمن اعتراض به حرکت زشتی که نسبت به بازرگانان مغولی شده بود، تسلیم غایر خان را طلب کرد. ولی سلطان محمد با بی‌تدبیری فرستادگان او را کشت و با این اقدام مقدمات حمله وحشیانه مغول را به ایران و سایر ممالک اسلامی فراهم نمود.

تأثیر مغول در ادبیات

تأثیرات و تأثرات حمله خونبار مغولان نه تنها در آثار مورخان، بلکه در گفتار گویندگان و سخن‌سرایان عصر نیز مشهود و آشکار و قابل اعتناست. زیرا آنان بسیاری از حقایق روزگار خود و عظمت فاجعه را، چه با زبان رمز و کنایه و چه به صورت آشکار، در آثارشان بیان کرده‌اند. آنچه در آثار شاعران و نویسندگان این دوره می‌یابیم، انعکاس دردهای بی‌پایان و بغض‌های گره‌شده مردم بد بخت و بیچاره‌ای است که گاه به صورت شکایت‌های درد انگیز منظوم یا مثنوی بر خامه شاعران و نویسندگان جاری شده است و گاه به هیئت مطایبات و هزل‌هایی تکان دهنده، چنانکه در کلیات سعدی و عبید زاکانی می‌بینیم، جلوه گر شده است.

سعدی شیرازی، جز در هزلیات، که انتقادات خود را از طریق طنز و شوخی اظهار کرده است، در غالب قصاید و قطعات منظوم و کلام مثنوی خود خواسته است از طریق ارشاد بزرگان عهد خویش، راه دادگری و خدمت به مردم و آسوده گذاشتن آنان را بیاموزد.

همچنین شاعر معاصر سعدی، سیف الدین محمد فرغانی در بسیاری از قصاید خود به وضع درد انگیز و انحطاط عمیق اجتماعی و واژگون شدن همه اصل‌های انسانی و دینی و ... اشاره دارد:

«در عجبم تا خود آن زمان چه زمان بود

کامدن من بسوی ملک جهان بود

^۱ کلیات عبید زاکانی، تصحیح اقبال آشتیانی، ۱۳۶۴: ۲۳.

^۲ منهای سراج، طبقات ناصری، تصحیح حبیبی، ۱۳۶۳: ج ۱/۱۰۳.

^۳ اقبال آشتیانی، ۱۳۶۴: ۲۳.

بر سر خاکی که پایگاه من و توست

خون عزیزان بسان آب روان بود

تا کند از آدمی شکم چو لحد پر

پشت زمین همچو گور جمله دهان بود

به بقاء از روان خلق گریزان

باد فنا از مهب قهر وزان بود

بهر خانه لانه کرده چو خطاف

عدل چو عنقا ز چشم خلق نهران بود

زرّ و درم چون مگس ملازم هر خس

درّ و گهر چون جرس حلّی خراّن بود^۱

خواجوری کرمانی، شاعر استاد اواخر این دوره (۷۵۳ - ۶۸۹ هجری قمری)، نیز درباره امرای زمان و سوابق زشت خواجگان و صدور روزگار خود اشاره‌هایی دارد که خواندنی است. به ویژه درباره صدر اجل صدر الدین یحیی قطعه‌ای سروده است که آخرین بیت آن چنین است:

«گشت سلطانی به سگبانی عوض

شد سلیمانی به شیطانی بدل»^۲

همچنین شاعر و نویسنده رند روزگار، عبید زاکانی در آثار خویش سخت‌ترین و زنده‌ترین انتقاد اجتماعی را به نظم و نثر از این دوران نموده است. مثلاً در رساله اخلاق الاشراف به سختی بر پادشاهان مغول، خاصه بر چنگیز و هولاکو تاخته است و در فواید ظلم که یکی از مذاهب مختار عصر بود گفته است:

«معاویه به برکت ظلم ملک از دست امام علی کرم الله وجهه بدر برد. بخت النصر تا دوازده هزار پیغمبر را در بیت المقدس بی گناه نکشت و هم چند هزار پیغمبر را اسیر نکرد دولت او عروج نکرد و در دو جهان سرافراز نشد. چنگیز خان که امروز به کوری اعداء در درک اسفل مقتدا و پیشوای مغولان اولین و آخرین است تا هزاران هزار بی گناه را به تیغ بی دریغ از پای در نیورد، پادشاهی زمین بر او مقرر نگشت ... هولاکو چون ظلم ورزید لاجرم قرب نود سال پادشاهی در خاندان او قرار گرفت و هر روز دولت ایشان در تزیاید بود، او سعید بیچاره را چون دغدغه عدالت در خاطر افتاد و خود را به شعار عدل موسوم گردانید. در اندک مدتی دولتش سپری شد و خاندان هولاکو خان و مساعی او در سر نیت ابوسعید رفت.»^۳

رواج تصوّف و صوفی گری

از جمله آثار شوم و مخربیه که حمله مغولان در پی داشت، رواج تصوّف و صوفی گری در ایران بود. باید دانست که تصوّف در قرن‌های سوّم و چهارم اسلامی، که نهضت‌های مردم علیه تازیان و حاکمان دست‌نشانده دستگاه خلافت بغداد بود، به صورت جنبشی اجتماعی در آمد. اما متأسفانه تصوّف اجتماعی دیری نپایید. بد بینی و نومیدی که در پی حمله مغول بر مردم ایران چیره شد، جنبه مثبت و شور اجتماعی صوفیان را از میان برد، و

^۱ سیف فرغانی، دیوان، تصحیح صفا، ۱۳۶۴: ۱۴۴.

^۲ خواجوری کرمانی، دیوان، تصحیح خوانساری سپیلی، ۱۳۷۴: ۱۶۵.

^۳ به کوشش اقبال آشتیانی، ۱۳۴۶: ۲۲-۳.